

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.302772.2245>

Imam Khomeini(ra) revived the Hijab in the Iranian political society, inspired by the Tanzil of the Qur'an

Abstract

Islam and one of the main elements of the cultural difference between Muslims and atheists, and it has maintained its function in distinguishing Muslims from Westerners. restraint, and even force Muslim intellectuals to soften against this thinking. In such a day, Imam Khomeini (ra) tried to take a step towards reviving the hijab in Iranian society, out of fear of the Prophet's educational method, which is based on the decline of the Qur'an and the revival of the hijab in the pre-Islamic ignorant society. he believed that the lack of hijab and restraint was the trick of colonialism to anesthetize and destroy the generation of countries so He made the policy of forcing women to wear the hijab in the offices and at the level of the country one of the priorities of the cultural program of the nascent system of the Islamic Republic of Iran and did not show the slightest tendency in this regard.

This descriptive-analytical study has reached this conclusion by comprehensively examining the subject of hijab, especially the revelation and stabilization of the verses of hijab and the stance of Imam Khomeini (ra) in different periods and comparing it with the positions of his contemporaries, that Imam Khomeini (ra) revived the hijab in the political society of Iran.

Keywords: Imam Khomeini(ra), Tanzil of Hijab, Compulsory Hijab, Hijab Culture, Intellectuals

امام خمینی (ره) احیاگر حجاب در جامعه سیاسی ایران با الهام از سیر تنزیلی قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۹

مجید کرباس فروشان^۱مهدی مهریزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۸

مصطفی عطارآبکناری^۳**چکیده**

حجاب از صدر اسلام تاکنون یکی از نشانه‌های هویت‌دینی مسلمانان و از عناصر اصلی تفاوت فرهنگی مسلمانان و بی‌دینان بوده و همچنان در عصر حاضر کارکرد خود در تمایز مسلمانان با غربیان را حفظ نموده است. سیاست‌های غرب‌گرایانه سعی دارند آزادی را مترادف بی‌حجابی و بی‌بندوباری نشان دهند و حتی بزرگان فکری مسلمان را به نرمش در برابر این تفکر وادارند. در چنین روزگاری امام‌خمینی (ره) کوشیدند با تاسی از شیوه تربیتی پیامبر (ص) که مبتنی بر سیر نزولی قرآن و احیای حجاب در جامعه جاهلی صدر اسلام است، گام به گام در جهت احیای حجاب در جامعه ایران قدم بردارند. ایشان معتقد بودند بی‌حجابی و بی‌بندوباری روش استعماری در جهت سست نمودن و به تباهی کشاندن نسل کشورهاست لذا سیاست اجبار حجاب را در سطح کشور و بویژه اماکن دولتی از اولویت‌های برنامه فرهنگی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران قرار داده و ذره‌ای در این امر نرمش از خود نشان ندادند. این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی، با بررسی جامع موضوع حجاب مخصوصاً سیر نزول و تثبیت آیات حجاب و موضع‌گیری امام‌خمینی (ره) در مقاطع مختلف و مقایسه آن با مواضع روشن‌فکران هم‌عصر ایشان به این نتیجه رسیده است که امام‌خمینی (ره) احیاکننده حجاب در جامعه سیاسی ایران است.

کلیدواژه‌ها: امام‌خمینی (ره)، سیر تنزیلی حجاب، حجاب اجباری، فرهنگ حجاب، روشن فکری.

^۱ دانشجوی دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران.

در هر جامعه "نوع و کیفیت لباس افراد، علاوه بر تطابق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است تابع جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ ایشان نیز است" (مونسی سرخه، ۱۳۹۶، ۱۰۹) و حتی مبین و آینه آن جهان‌بینی است. پاکزاد معتقد است: "مطالعه این بخش از تاریخ رازهای نهفته‌ای را در مورد مردم آن دوران برای ما روشن می‌سازد." (پاکزاد، ۱۳۹۱، ۷۷)

برخی تلاش دارند که لباس غرب را نتیجه پیشرفت علمی و صنعتی غرب و لباس شرق را نتیجه عقب ماندگی و جهل مردمان آن بدانند. درحالی‌که این دو تصویر مربوط به جهان بینی این دو اردوگاه است و لباس پوشیدن شأنی از شئون انسان است و در هر تمدن رابطه مستقیمی با معنای انسان و تعریف انسان در آن تمدن دارد. "لباس که بازتابی است از توان اقتصادی، نگرش سیاسی، قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی، باورهای مذهبی و فلسفی و پایبندی‌های رسمی و سنتی است که در روند تکامل خود زیر نفوذ نظام و سیطره نظام نقشه دار سرمایه قرار گرفت." (ویل کاکس، ۱۳۸۶، ۷)

تفاوت عمده فرهنگ جدید غربی و فرهنگ اسلامی در نوع نگاه به انسان نهفته است. "در نظریه رایج و غالب غربیان، حقیقت و ماهیت انسان استعدادها و غرائز دنیوی اوست." (فروزنده دهکردی، ۱۳۹۲، ۲۲) اگر انسان در فرهنگ غربی موجودی است که معنویت فرع و رو بنای زندگی مادی اوست، "در فرهنگ اسلامی موجودی است که معنویت کمال مطلوب و غایت و نهایت زندگی اوست." (ملک زاده، ۱۳۹۵، ۵۲)

در اسلام معنویت هرگز در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته است و رقیب آن نیز نیست بلکه در یک حرکت اعتدالی اسلام توجه به هر دو جنبه به عنوان نیازهای انسان دارد. امام خمینی می‌گوید: "اسلام برای تامین علف نیامده. اسلام برای تامین معنویات آمده است. همه‌اش فریاد از مادیات نباشد که برخلاف مسلک اسلام است. معنویات اگر تحقق پیدا کرد مادیات به دنبالش است." (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۲، ۱۷/۷)

خداوند در سوره سجده می‌فرماید: "و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛" (سجده: ۷-۹) لذا در چنین ایدئولوژی انسان صرفاً تن نیست که با مرگ نابود شود. انسان رو به سوی خدا دارد که کمال مطلق و سرچشمه همه خوبی‌هاست. لذا خود را شریف‌تر از آن می‌داند که به بدن‌نمایی و آرایش جسم پردازد. انسان در جهان‌بینی اسلامی لباس به تن نمی‌کند برای عرضه تن خود بلکه لباس را حریم و مایه کرامت خود می‌داند. انسان در اسلام، کمال خود را تزئین تن برای فروش به خلق نمی‌بیند بلکه جان خود را به خدای خویش می‌فروشد. "خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد." (توبه: ۱۱۱)

حکم حجاب در قرآن با ترتیب خاص زمانی نازل شده و نظام هنجاری را در جامعه اسلامی شکل داده است. با توجه به رهبری انقلاب توسط امام خمینی (ره) و چالش‌های سیاسی و اجتماعی فرا روی آن، این سوال مطرح است چرا امام خمینی (ره) بر مسئله حجاب تأکید می‌کردند؟ و موضع و رویکرد ایشان در قبال حجاب چگونه بوده است؟ و آیا برخوردی به ظاهر روشن‌فکرانه می‌توانست سبب احیا امر حجاب اسلامی گردد؟

ابعاد مختلف مسئله حجاب

حجاب یکی از مسائلی است که با ابعاد مختلفی از زندگی انسان ارتباط دارد و از جهات مختلفی حجاب و پوشش قابل واکاوی است. از جمله این ابعاد، بعد فطری، تاریخی، فقهی، سیاسی، اجتماعی آن است که به اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

از بعد فطری میل به پوشیدگی ریشه در فطرت انسان دارد قرآن کریم نیز بر ماهیت فطری انسان تأکید نموده است. در سوره روم خداوند می‌فرماید: "پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!" (روم: ۳۰) غفلت از نیازهای فطری یا تغییر در نحوه پاسخگویی به آن ناشی از ناآگاهی و دوری از آموزش‌های الهی است. "دین‌زدایی و تبلیغات علیه دین ارزش‌های دینی که منطبق با فطرت است از یک سو و تمایلات نفسانی و شیطانی انسان از سوی دیگر موجب دوری انسان از فطرت و سقوط در برهنگی و عریانی و بی‌حجابی عصر حاضر شده است." (قاسمی، ۱۳۸۸، ۴۸)

از بعد تاریخی بررسی حجاب، نشان می‌دهد "در میان اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای حجاب نبوده یا برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند." (زروندی، ۱۳۸۶، ۱۳۷۷) در دوره‌های مختلف تاریخ ایران پیش از اسلام همواره بانوان با پوشش و حجاب بودند. "زمان مادها پوشش موی سر مطابق روشی دیرینه معمول بوده است." (اجتهادی، ۱۳۸۲، ۳۷۲) شواهدی از دوره پارسی‌ها موجود است که "زنان پوششی مستطیل شکل بر روی بدن خود می‌افکنده‌اند و در زیر آن یک پیراهن بلند پوشیده‌اند که تا مچ پا می‌رسد." (ضیاءپور، ۱۳۴۷، ۵۸) در دوره هخامنشیان تصویر نگاری زنان ممنوع بوده است و شواهد کمی از تصاویر زنان آن دوره در دست است ولی همین تصاویر نشان می‌دهد که "طبقات مرفه و ثروتمند از حجاب به عنوان وجه تمایز از سایر طبقات استفاده می‌کردند." (اجتهادی، ۱۳۸۲، ۳۷۹) با توجه به مجسمه‌ها و نقاشی‌های دوره اشکانیان، "پوشاک بانوان در آن دوران پیراهنی بلند است که تا روی زمین می‌رسیده است." (ضرغامی، ۱۳۸۷، ۱۲۲)

شواهد نشان می‌دهد در دوره ساسانی که آخرین امپراطوری ایران پیش اسلام است بانوان باحجاب بوده و گیسوان خود را می‌پوشاندند. پس از ورود اسلام به ایران تا آغاز دوره پهلوی بانوان ایران با حجاب در جامعه حاضر می‌شدند و این موضوع به خوبی در سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌هایی که در دوره‌های مختلف در مورد وضع اجتماعی ایران نگارش شده مثل سفرنامه تونو (آقاحسین شیرازی، ۱۳۸۲، ۱۶۸)، شاردن و تاورنیه (شاردن، ۱۳۴۵، ۲۲۳)، پیترو (پیترو، ۱۳۴۸، ۱۴۷)، اولناریوس (اولناریوس، ۱۳۶۹، ۶۴۴)، رنه دالمانی (ضیاءپور، ۱۳۴۳، ۱۷۹)، اولیویه (اولیویه، ۱۳۷۱، ۱۵۷) و دروویل (دروویل، ۱۳۳۷، ۵۷) دیده می‌شود.

از بعد فقهی، حجاب زن مسلمان از مسائلی است که تمام فقهای مسلمان بر اصل آن اتفاق نظر دارند (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۴۶/۷) البته در مورد حدود آن در بین علما اختلاف نظرهایی وجود دارد. مراجع تقلید چون خویی (احمدی جلفایی، ۱۳۸۴، ۲۳۲/۱) و گلپایگانی (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۴۱۳/۱) پوشش تمام بدن زن را مطابق با احتیاط واجب می‌دانستند ولی برخی چون کدیور با تقسیم حکم حجاب به دو حکم ثابت و متغیر که تابعی از شرایط جامعه است، حکم پوشش از گرن تا زانو و بازو را پوشش حداقلی عقلانی ثابت دینی و پوشش بیش از این مقدار را تابعی از شرایط جامعه دانسته‌اند. (آبیار، ۱۳۹۹، ۲۲۲) حجاب موی سر نیز یکی از مسائل اختلافی است که با توجه به عدم صراحت آیات قرآن و حتی روایات در پوشاندن موی سر، برخی آن را ضروری نمی‌دانند. ترکاشوند ضمن ارائه تصویری متفاوت از حجاب در ابتدای اسلام با اشاره به فتوای فقها تا قرن هشتم، پوشاندن سر را مطلبی می‌داند که مستند نقلی معتبری ندارد. (ترکاشوند، ۱۳۸۹، ۶۹۶)

از بعد سیاسی مسئله حجاب موضوع بسیار قابل تاملی است. شکل نوین بی‌حجابی پس از رنسانس با تبلیغات وسیع نهضت زنان برای آزادی شکل گرفت. ویل دورانت معتقد است "کارخانه‌داران بزرگ برای استفاده از نیروی ارزان قیمت زنان با تکیه بر ناآگاهی ایشان تبلیغات وسیعی را در این زمینه آغاز کردند." (دورانت، ۱۳۴۴، ۱۵۱) البته این موضوع تنها با تغییر در فرهنگ و رسوم امکان پذیر بود. این تجربه موفق غرب در تغییر فرهنگ و استفاده ابزاری از انسان‌ها دامنه این سیاست را گسترش داد. در واقع در فرهنگ جدید غربی، جنسیت اهرمی است که از آن برای تسلط بر وجود انسان‌ها استفاده می‌شود. (احمدزاده، ۱۳۹۴، ۳) دامنه این اقدامات به تدریج کشورهای اسلامی را نیز فراگرفت. افغانستان نخستین کشور مسلمان بود که به صورت رسمی به کشف حجاب بانوان روی آورد. دومین کشور ترکیه بود که پس از سقوط دولت عثمانی در ۱۳۱۳ منع حجاب در آن رسمیت یافت. در ایران نیز رضاخان در دیماه ۱۳۱۴ کشف حجاب را رسمی کرد. (ضرغامی، ۱۳۸۷، ۱۳۲) غرب در حجاب مسلمانان یک هویت نهفته می‌بیند که می‌تواند جامعه غربی را به چالش‌های ناخواسته بکشاند. (بشیر، ۱۳۹۰، ۵۸) آلن معتقد است: "حجاب در قرن بیستم که به قرن مخالفت با اسلام شناخته می‌شود، به نمادی تهدید کننده تبدیل شده است" (آلن، ۲۰۰۸، ۲۱۰)

از بعد جامعه‌شناسی، محجوبی منش معتقد است حجاب در ذهن مخاطبان نمادی برای برقراری ارتباط و کنش اجتماعی است که کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر انتظارات دیگران در حوزه عمومی است. (محجوبی منش، ۱۳۸۶، ۱۲۸) واتسون معتقد است: "از منظر تحلیلگران غربی، هیچ نوعی از پوشش، مانند حجاب، تا این اندازه موضوع بحث و اختلاف نبوده است" (واتسون، ۱۳۸۲، ۳۱۱) کرامتی در تحقیق خود نشان می‌دهد: ۷۷/۵ درصد از کسانی که در نظرسنجی شرکت نموده‌اند، بدحجابی را یک معضل رایج در جامعه و ۸۰/۶ درصد بدحجابی را آسیب‌رسان به امنیت اخلاقی جامعه و ۵۴/۲ درصد نیز بدحجابی را علت جرایم اخلاقی و ۷۸/۹ درصد نیز بدحجابی را سبب آزار و اذیت زنان می‌دانند. (کرامتی، ۱۳۸۲، ۱۳۸). تحقیقات درباره ارتباط غرب‌گرایی و بی‌حجابی نشان می‌دهد تمایل بیشتر افراد به غرب باعث افزایش سرعت پاسخ مثبت به تغییرات اجتماعی و در نتیجه اهمیت کمتر به ارزش‌ها و سنت‌ها و نهایتاً کاهش ثبات و پایایی پوشش است. (خدادادی سنگده، ۱۳۹۴، ۱۸)

سیر نزول آیات حجاب

درنگ در آیات حجاب نشان می‌دهد که این حکم به صورت تدریجی و با آماده شدن اجتماع اعلام شده است. (عابدینی، ۱۳۷۹، ۴۹) در دوران جاهلیت لباس‌های زنانه تمام قسمت‌های بدن را نمی‌پوشاند و مقداری از سر و گردن و گوش و سینه آنها باز بود. (پیرمردیان، ۱۳۹۴، ۵۹)

در نخستین گام قرآن کریم به ارزشمندی پوشش برای انسان می‌پردازد و در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره اعراف که از سوره‌های نازل شده در شهر مکه است می‌فرماید: «ای فرزندان آدم، بی‌گمان برایتان لباسی فرستادیم که شما را بپوشاند و زیوری باشد. و (لیکن) جامه پرهیزگاری، آن بهتر است. این از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شونید! ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد. همچنان که پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد تا لباس‌های آندو را از ایشان برکند.»

در مرحله بعد در شهر مدینه به زنان پیامبر به عنوان شاخص و الگو سایر زنان دستور می‌دهد که از خروج بی‌جهت از منزل و تبرج جاهلی خوداری کنند. در سوره احزاب آیه ۳۳ می‌فرماید: «در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید» فراهیدی در معنای تبرج می‌گوید: آنگاه که زن زیبایی‌های چهره و گریبان را بنماید گفته می‌شود تبرج کرده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۵/۶)

در ادامه نزول تدریجی آیات پیامبر حجاب به بحث تفکیک جنسیتی و ساماندهی به نیازهای روزمره پرداخته شده است. (ملا میرزایی، ۱۳۹۷، ۹۱) در سوره احزاب آیه ۵۳ می‌فرماید: و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را از همسران پیامبر خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است!

با عنایت به اینکه حضور زن در اجتماع امری اجتناب ناپذیر است آیات بعدی که در مورد حجاب نازل شده است در مورد نحوه حضور و حجاب بانوان در جمع‌های اختلاطی است. در سوره احزاب آیه ۵۹ می‌فرماید: ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلابیب خود را بر خویش فروافکنند، این، برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت واقع نشوند بهتر است. "جلابیب جمع جلاب و پوششی است که تمامی بدن را فرا می‌گیرد و بر روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود و چیزی مانند چادر امروزی است." (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۷۳/۱)

در مرحله بعد، با توجه به ظرفیت مختلف افراد قرآن کریم ضوابط حداقلی حجاب را در آیه ۳۱ سوره نور بیان می‌فرماید که عبارت است از: نگاه نکردن به نامحرم، حفظ پاکدامنی، پوشاندن زینت‌ها مگر آنچه به صورت طبیعی هویداست، پوشاندن گردن و سینه‌ها، عدم آشکار کردن زیبایی‌ها مگر برای شوهر، محارم، همجنسان همکیش، افراد سفیه که تمایلات جنسی ندارند و کودکان نابالغ و همچنین عدم خودنمایی در هنگام راه رفتن.

البته قرآن از موارد استثنایی که عدم رعایت حجاب لطمه‌ای به عفاف فرد و جامعه وارد نمی‌کند نیز غافل نشده و در سوره نور، آیه ۶۰ به زنان مسنی که امید به ازدواج ندارند اجازه می‌دهد به شرط عدم خودآرایی پوشش خود را کنار نهند و البته تذکر می‌دهد که اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است.

سیر احیا حجاب توسط امام خمینی (ره) در دوره جاهلیت مدرن

امام خمینی به عنوان سیاستمدار فقیه که به مسائلی اجتماعی و تاریخی آگاهی داشتند، با الهام از روش قرآن در بیان ارزش و شخصیت انسان مومن، برای حفظ ارزش بانوان و به بازی گرفته نشدن شخصیت آنان در جامعه بر حجاب تأکید می‌کردند: «و البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماسست. دستورات خداوند - چه برای زن و چه برای مرد- برای این است که، آن ارزش‌های واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا استعمار پایمال می‌شدند، این ارزش‌ها احیا بشود.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۱۹/۱۸۵) این موضع‌گیری امام خمینی (ره) مطابق با گام نخست قرآن در بیان ارزش انسان و عدم فریفته شدن توسط شیطان و از دست رفتن حجاب است.

موضع‌گیری امام پیرامون حجاب پیش از پیروزی انقلاب

اولین تحرکات انقلابی امام خمینی (س) با محوریت کشف حجاب در مسجد اعظم قم در سال ۱۳۲۳ آغاز شد ایشان با طرح موضوع برداشته شدن چادر عفت از سر زنان به وضع جامعه و اینکه کسی در مورد این موضوع حرفی نمی‌زند اعتراض می‌کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۲۲/۱) ایشان در این سخنرانی با اشاره به فلسفه حجاب که همان عقیف شدن انسان‌هاست بی‌حجابی را ثمره ترویج فرهنگ غرب یا به تعبیر دیگر ظهور جاهلیت مدرن بیان می‌نماید.

موضع انقلابی ایشان با محور قرار دادن موضوع بی‌حجابی همچنان ادامه می‌یابد و در سخنرانی ۱۳۴۱ در مسجد اعظم قم به صراحت علت ناکارآمدی ادارات در آن دوره را عدم توجه به فرمان قرآن در تفکیک جنسیتی و استفاده‌های ابزاری از زن بین می‌نماید. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۱۱۸/۱)

امام خمینی (ره) با الهام از آیه جلیباب چادر را حجاب برتر می‌دانستند. یکی از همراهان امام خمینی (ره) در نوفل لوشاتو می‌گوید: «با همان مانتو و شلوار خدمت امام رفتم تا گزارش بدهم. امام فرمودند: اگر چادر ندارید، بگویم احمد برایتان بخرد. عرض کردم: نه حاج آقا! چون به کوه می‌رفتم و اسلحه روی دوشم بود و فشنگ به کمرم ... چادر سرکردن برایم دشوار بود. فرمودند: چادر برای زن بهتر است. من از آن روز چادر سر کردم.» (رجائی، ۱۳۷۸، ۲۵۰)

امام خمینی (ره) اگر چه چادر را حجاب کاملی می‌دانستند ولی با عنایت به اینکه قرآن نیز آن گونه که گفته شد به ظرفیت انسان‌ها احترام گذاشته و حداقل‌های پوشش را تبیین نموده است پوشش‌های غیر از چادر که موجب مفسده نمی‌شود را نیز تأیید می‌نمودند و معتقد بودند باید از پوشش‌های بانوان خلاف اخلاق و همراه با مفسده در جامعه جلوگیری شود. ایشان در پاریس در پاسخ خبرنگاران درباره میزان حجاب در ایران فرمودند: «آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۲۹۴/۵)

ایشان در مورد حد حجاب و رابطه زمان و مکان با حجاب می‌گویند: «حجاب ایران، حجاب اسلام، همین مقدارهاست. اسلام اینجا و آنجا ندارد. لکن یک جهات خارجی گاهی در کار هست. به طوری که یک مفسده‌ای باشد، یک اختلاف اخلاقی بشود، یک- عرض می‌کنم- چیزهایی باشد، البته آن وقت باید جلوگیری بشود؛ اما اگر نباشد اینطور، و ساده باشد و مثل سایرین با سادگی باشد، نه؛ بی‌چادر مانع ندارد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۴۹۹/۳)

موضع‌گیری امام پیرامون حجاب اوایل پیروزی انقلاب

امام خمینی (ره) از همان روزهای اول انقلاب به مسئولان دولت وقت، برای جلوگیری از بی‌حجابی نهیب زدند: «الان وزارتخانه‌ها- این را می‌گویم که به دولت برسد، آن طوری که برای من نقل می‌کنند- باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود و زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۳۲۹/۶)

انتشار این سخنان امام خمینی در صفحه اول شماره ۱۰۶۵۵ روزنامه کیهان در تاریخ ۱۶ اسفند واکنش‌هایی را در پی داشت که از آن جمله به راه انداختن تظاهرات علیه حجاب بود. همانا ناطق^۱ در تجمع زنان مقابل کاخ دادگستری، به سخنرانی پرداخت و گفت ما با حجاب مخالف نیستیم بلکه با تحمیل آن مخالفیم.^۲ با توجه به اینکه امام خمینی (ره) مرجعیت عالم تشیع را و رهبری انقلابی را بر عهده داشتند که اساس آن اجرای قوانین اسلام در سطح جامعه بوده است، با دید عمیق خود اجرای اسلام را در گرو اجرای احکام آن می‌دانستند. احکامی که برگرفته از قرآن و روایات است. قرآن کریم در دوره استقرار حکومت اسلامی در مدینه به صراحت مسئله حجاب را مطرح و حتی نوع آن را در غالب خمار و جلباب مشخص کرده است.

از اینجا مشخص می‌شود کسانی که مخالفت خود را تنها با تحمیل حجاب می‌دانستند جرأت مخالفت با اصل مسئله را نداشتند زیرا هیچ کس حجاب را برای حریم خصوصی مطرح نکرده است و حریم‌های اجتماعی مورد هدف بوده است بنابراین نداشتن حجاب مساوی با عدم رعایت شئون اسلامی در سطح جامعه است که با شعارهای اصیل انقلاب در تعارض خواهد بود.

در روز بعد از انتشار سخنان امام، حجت‌الاسلام اشراقی، داماد امام خمینی (ره) در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان چنین بیان می‌کند: «باید حجاب رعایت شود و قوانین اسلامی مو به مو اجرا گردد و در همه مؤسسات و دانشگاه‌ها به این موضوع توجه شود... باید طبق نظر مبارک امام حجاب اسلامی در سطح کشور توسط خانم‌ها با اشتیاق اجرا شود...» (اشراقی، ۱۳۵۷، ۲)

موضع‌گیری روشن فکran در اوایل انقلاب در مورد حجاب

برخی روشن‌فکران تاکید و اصرار بر حجاب را در مقطع اول انقلاب که هنوز نظام سیاسی تثبیت نشده است کار صحیحی نمی‌دانند. سیمین دانشور^۳ می‌نویسد: «ما وقتی توانستیم این خانه‌ی ویران را آباد نماییم، اقتصادش را سامان دهیم، کشاورزی‌اش را به جایی برسانیم، عدل و آزادی را برقرار کنیم، هر موقع مردم این سرزمین سیر و پوشیده و دارای سقفی امن شدند و از آموزش و پرورش و بهداشت عمومی بهره‌مند شوند، می‌توانیم سراغ مسائل فرعی و فقهی رفته و سر فرصت و با خیال آسوده و در خانه‌ای از پای بست محکم بنشینیم و به سر و وضع زنان بپردازیم.» (دانشور، ۱۳۵۷، ۶)

همان ناطق می‌نویسد: «پرداختن به مسئله حجاب زنان در این مقطع از مبارزه یک مسئله انحرافی است. ما نباید در این شرایط مسئله‌ای به نام مسئله زن داشته باشیم. یک بار چیزی در مورد حجاب گفتند و بعد هم پس گرفتند بنابراین برای این مسئله نباید درگیری ایجاد کنیم باید با مجاهدین همراه باشیم حتی اگر روسری به سر کنیم به شرط آنکه ما بدانیم به نام ما توطئه نمی‌شود و نظام شاهنشاهی برگردانده نمی‌شود.» (ناطق، ۱۳۵۷، ۴)

روزنامه کیهان در مصاحبه با آیت‌الله طالقانی^۴ در تاریخ ۲۰ اسفند در مورد حجاب آورده است: «هو و جنجال راه نیاندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقّه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد

ماند. و از آنها خواهش می‌کنیم که با لباس ساده با وقار، رو سری هم روی سرشان بیاندازد به جایی بر نمی‌خورد. اگر آنهایی هم که می‌خواهند مویشان خراب نشود اگر روی مویشان رو سری بیاندازند بهتر است و بیشتر محفوظ می‌ماند... یک جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد، وسیله کار ندارد، زندگی‌اش سرو سامان ندارد، وقتی این زن را با این صورت می‌بیند که گاهی یک پیرزن پنجاه شصت ساله خودش را مثل یک دختر ۱۴ ساله نمایش می‌دهد، توی خیابان یا سر کوچه، این بیچاره اذیتش می‌کند، ناراحتش می‌کند و این یک جور آزار جوان‌ها است و امیدواریم که بعد از این جوان‌های ما هم سر و سامان پیدا کنند... اجباری حتی برای زن‌های مسلمان هم نیست. چه اجباری؟ حضرت آیت‌الله خمینی نصیحتی کردند مانند پدری که به فرزندش نصیحت می‌کند راهنمائیش می‌کند که شما اینجور باشید به این سبک باشید». (طالقانی، ۱۳۵۷، ۳)

مقایسه موضع گیری امام و روشن فکران

دیدگاه امام خمینی (ره):

- ۱- حجاب را مسئله‌ای اصلی می‌داند.
- ۲- بی‌حجابی را ترفندی در جهت نیل استعمار به اهداف شوم خود و تخدیر افکار جوانان بر می‌شمارد.
- ۳- پاک کردن اجتماع از بی‌بندوباری و خودنمایی را امری ضروری تلقی می‌کند.
- ۴- رعایت تقوا و حجاب را وظیفه‌ای می‌داند که باید مردان و زنان به صورت متقابل به آن پایبند باشند. در برابر مواضع محکم و روشن امام خمینی (ره) در مورد حجاب دیدگاه روشن فکران معاصر ایشان عبارتند:
 - ۱- حجاب را امری فرعی می‌شمرند.
 - ۲- آن را شخصی و فردی تلقی می‌کردند.
 - ۳- با الفاظی لطیف تنها داشتن آن را بهتر از نداشتن آن اعلام می‌کردند.
 - ۴- عدم خویشتن داری مردان نباید سبب سلب آزادی و اجبار آنان به حجاب شود.
 واضح است که موضع گیری‌های روشن‌فکرانه با توجه به مواضع محافظه‌کارانه و غالباً با ظاهری جذاب تنها برای جلب نظر عوام اتخاذ می‌شده است که برآیند نهایی چنین موضعی، غرب‌گرایی و در نهایت بی‌حجابی خواهد بود و با چنین رویکردی نمی‌توان عفاف را در جامعه نهادینه کرد.

موضع‌گیری امام پیرامون حجاب دو سال پس از پیروزی انقلاب

در تیرماه ۱۳۵۹ امام خمینی (ره) شدیداً از دولت بنی‌صدر انتقاد کرد ۱۰ روز فرصت داد تا ادارات را اسلامی نشانه‌های شاهنشاهی را در ادارات دولتی از بین ببرد. (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۲، ۴۷۷/۱۲) بعد از این سخنان ورود زنان بی‌حجاب به ادارات دولتی ممنوع شد. البته هنوز لباس فرم وجود نداشت بلکه زنان موظف شدند رو سری سر کنند و لباس پوشیده و آستین بلند بپوشند.

حمایت امام خمینی (ره) از مسئله حجاب و تاکید ایشان بر این امر سبب شد که دیگران نیز کم‌کم نقاب‌های محافظه‌کاری را از چهره بردارند و گام‌های عملی برای ترویج حجاب بردارند از جمله این اقدامات عبارتند از:

ممنوع شدن حضور بی‌حجاب در اماکن عمومی

طبق قانون اعلام شده توسط نماینده دادستان انقلاب در ماه رمضان آن سال، به اماکن عمومی تکلیف شد تا تابلویی با این جمله نصب نمایند: «به دستور دادگاه مبارزه با منکرات از پذیرفتن میهمانان و مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند معذوریم».

مصوب شدن قانون مجازات اسلامی

بر طبق قانونی که در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ تصویب شد، برای عدم رعایت حجاب در اماکن عمومی حکم ۷۴ ضربه شلاق تعیین شد.

حضرت امام کمترین مماشات در این امر را نمی‌پذیرفتند و بدنه مردم را به حفظ ظاهر اسلامی کشور فرا می‌خواندند، چنانچه وقتی حضرت ایشان با خبر شدند که در سواحل دریا بی‌بندوباری و اختلاط صورت می‌گیرد برآشفته شده و فرمود: «برای اینکه اسلام جلوی شهوات را می‌گیرد؛ اسلام نمی‌گذارد که لخت برونند توی این دریاها شنا کنند. پوستان را می‌کند! ... که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زن‌ها همان طور لخت و همان طور لخت می‌آمدند توی شهر! ... امروز اگر یک همچو چیزی بشود، اینها را ما خواهیم تکلیفشان را معین کرد. و دولت هم معین کرد. البته دولت [به] طوری که وزیر کشور گفتند، گفتند ما جلوی ما را گرفتیم. اگر نگیرند، مردم می‌گیرند. مگر مازندرانی‌ها می‌گذارند یا رشتی‌ها می‌گذارند که باز کنار دریاشان مثل آن وقت باشد؟ مگر بندر پهلوی‌ای‌ها (بندر انزلی) مرده‌اند که زن و مرد با هم در یک دریا برونند و مشغول عیش و عشرت بشوند! مگر می‌گذارند اینها را؟» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۳۳۹/۸)

البته ایشان نیروهای انتظامی را برای برخورد با مظاهر بی‌حجابی ارجح می‌دانستند و در مقطعی که عده‌ای نفوذی و یا ناآگاه به بهانه مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی در معابر عمومی به ضرب و شتم زنان پرداخته بودند در پیامی چنین تصریح کردند: احتمالاً تعرض به زن‌ها در اماکن عمومی، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و اینگونه دخالت‌ها حرام است، و باید پلیس و کمیته‌ها از آن جلوگیری کنند. (موسوی خمینی، ۱۲، ۵۰۲/۱۳۷۲)

امام خمینی (ره) کشف حجاب و ایجاد اقلیتی از زنان و دخترکان خیابان گرد را از بزرگترین خیانت‌های رژیم طاغوت می‌دانستند و آنرا از جنایات بزرگ رضاشاه می‌خواندند که باید در نظام اسلامی با آن مقابله شود و می‌فرمود: «آن شقی جنایتکار (رضا قُلدر) دست به یک جنایت زد و آن جنایت کشف حجاب بود؛ و به جای اینکه نیمی از جمعیت ایران را فعال کند آن نیم دیگری هم که نیمه مردان بود به‌طور بسیار زیادی از فعالیت انداختند و این عروسک‌هایی که درست کردند و در همه ادارات جا دادند و در همه خیابان‌ها راه انداختند، آنهایی که در ادارات بودند، سایر افرادی که در ادارات بودند را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آنهایی که در خیابان‌ها رها بودند، جوان‌های ما را به فساد کشاندند و فعالیت جوان‌های ما را از دست آنها گرفتند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۵۹/۱۷)

دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

ایشان معتقدند امام خمینی(ره) پس از کشف حجاب تنها بانی بازگرداندن حجاب به ایران بودند: «امام(ره) آن مرد شجاع و بی نظیری بود که مسئله حجاب را به این مملکت برگرداند. هیچ کس دیگری غیر از امام نمی توانست این کار را بکند این هم یکی از اختصاصات امام. اگر غیر از امام هر کس دیگر بود از همین آقایان، بزرگان، عرض می کنم که مقدسین علماء، چه و چه و چه و چه، هیچکس جرأت نمی کرد که بگوید مردم با حجاب بیایند بیرون، امام همان ماه های اول پیروزی انقلاب گفتند باید مردم با حجاب بیایند.» (سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه - ۷۶/۱۲/۱۴)

فلسفه تاکید نظام سیاسی اسلام بر حجاب از دیدگاه آیت الله خامنه ای چنین است: «تصور نکنید اگر ما فرضاً چادر را کنار گذاشتیم، آن مقنعه ای کذایی را درست کردیم از سر ما دست برمی دارند، آن ها به این قانع نیستند بلکه می خواهند فرهنگ منحوس خودشان را در اینجا مثل زمان شاه که زن اصلاً پوشش و حجاب نداشت، عمل شود. ما آزادی فساد و بی بندوباری و هرزگی و آزادی دروغ که غرب پرچمدار و مرتکب آن بوده است، صریحاً و قاطعاً رد می کنیم.» (محمدی نیا، ۱۳۸۳، ۲۰۲)

همانطور که قرآن کریم برای نجات انسان‌ها از جهالت دستور به حجاب می‌دهد امام خمینی (ره) برای حفظ امنیت اجتماعی و روحی افراد جامعه و شکل‌گیری حیات طیبه و منع نفوذ بیگانگان در کشور بر لزوم حجاب تأکید داشتند. ایشان معتقد بودند جهالت مدرن جوامع غربی و غرب زده، با پوشش شعارهایی چون «آزادی»، «دمکراسی» و «برابری حقوق زن و مرد» هویت انسانی زنان و مردان را لجن مال می‌نماید و نسل‌ها را به نابودی می‌کشاند. تأکید ایشان بر حجاب سبب شد در مرحله نخست اکثریت مردم جامعه و سپس جامعه سیاسی پذیرا و حتی مشوق آن شوند. سیر حرکت امام در احیای حجاب متأثر و الهام گرفته از سیر تنزیلی آیات قرآن کریم در مورد حجاب است و این موضوع به خوبی از مقایسه مواضع ایشان قبل و بعد از انقلاب قابل اثبات است. احیا حجاب در جامعه معاصر ایران با عزم و اراده ایشان اتفاق افتاد و برخلاف نظر روشن‌فکران این موضوع با روش دیگری غیر از آنچه ایشان اتخاذ نمودند قابل انجام نبود و این مطلب به صراحت در سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای مشهود است.

یادداشت:

۱- همانا طق در سال ۱۳۱۳ در شهر تبریز متولد شد و در سال ۱۳۹۴ در پاریس درگذشت. پیشینه تدریس وی در بخش تاریخ دانشگاه تهران، دانشگاه پرینستون و سوربون است. بیشتر نوشته‌های وی درباره تاریخ معاصر ایران بویژه دوره قاجاریه است. (میرشاهی، ۱۳۹۴، ۴۴۰)

۲- به نقل از سایت اندیشه‌ها <http://www.andishehha.ir>

۳- سیمین دانشور در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در شیراز به دنیا آمد (عبداللهی، ۱۳۸۹، ۲۰۳) و در سال ۱۳۹۰ در تهران درگذشت. وی نویسنده و مترجم ایرانی است. وی نخستین زن ایرانی است که به صورتی حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت. مهم‌ترین اثر او رمان سووشون، نثری ساده دارد و به ۱۷ زبان ترجمه شده است و از جمله پرفروش‌ترین آثار ادبیات داستانی در ایران محسوب می‌شود. دانشور همچنین عضو و نخستین رئیس کانون نویسندگان ایران و همسر جلال آل احمد بود. (طهماسبی نمینی، ۱۳۹۵، ۴۰)

۴- سید محمود طالقانی در سال ۱۲۸۹ به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۸ درگذشت. روحانی شیعه، سیاست‌مدار، از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی و نخستین امام جمعه تهران پس از انقلاب ۵۷ بود. (فعال عراقی نژاد، ۱۳۷۹، ۳۵)

الف-فارسی

کتاب

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۵). ترجمه مکارم شیرازی، قم: سلیمانزاده.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق). معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۲). دایره المعارف زن ایرانی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۴. احمدی جلفایی، حمید (۱۳۸۴). احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت، قم: زائر.
۵. آقاحسین شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز، تهران: اوستا فراهانی.
۶. اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹). سفرنامه آدام اولتاریوس، ترجمه حسین کردبچه، تهران: کتاب برای همه.
۷. اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولویه، ترجمه طاهر میرزا، تهران: اطلاعات.
۸. پیتر، دلاواله (۱۳۴۸). سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه و شرح و حواشی، شعاع الدین شفاء، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۹). حجاب شرعی در عصر پیامبر(ص)، تهران: بی جا.
۱۰. شاردن، ژان (۱۳۴۵). سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
۱۱. شهیدثانی، زین الدین بن علی جیعی عاملی، (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، قم: انتشارات داوری، چاپ دوم.
۱۲. دروویل، گاسپار (۱۳۳۷). سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، بی جا: گوتنبرگ.
۱۳. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۴۴). لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: اندیشه.
۱۴. رجائی، غلامعلی، (۱۳۷۸). برداشت هایی از سیره امام خمینی(ره)، تهران: عروج.
۱۵. ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان از کهن ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران: اداره کل موزه ها و فرهنگ عامه.
۱۶. ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۷). پوشاک زنان ایران از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره شاهنشاهی پهلوی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
۱۷. طهماسبی نمینی، زهرا (۱۳۹۵). جزیره نشین سرگردان (جستارهایی درباره آثار سیمین دانشور)، تهران: انتشارات روزگار.
۱۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۰۹). کتاب العین، بیروت: دارالهجره.
۱۹. فرحزاد، پوران، (۱۳۸۱). کارنمای زنان کارای ایران (از دیروز تا امروز)، تهران: نشر قطره.
۲۰. محمدی نیا، اسدا... (۱۳۸۳). بهشت جوانان یا آنچه باید یک زن و مرد بدانند، قم: سبط اکبر.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی قدس سره الشریف، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۲. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق). رساله توضیح المسائل گلپایگانی، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۳. ویل کاکس، روت ترنر (۱۳۸۶). تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران: توس.

۲۴. آبیاری، زهرا (۱۳۹۹). «چالش‌های نظری حجاب در ایران پساانقلاب: تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف»، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۱۷-۲۳۸.
۲۵. احمدزاده، محمد امیر (۱۳۹۴). «ارزیابی و نقد مسئله کشف حجاب از منظر رابطه قدرت و سیاست‌های فرهنگی»، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۳۵، صص ۱-۲۶.
۲۶. اشراقی، شهاب الدین (۱۳۵۷). «مصاحبه پیرامون حجاب»، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۵۶، ص ۲.
۲۷. بشیر، حسن (۱۳۹۰). «سیاست فرهنگی تفاوت در بازنمایی حجاب اسلامی در رسانه‌های غربی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۵، صص ۴۵-۶۹.
۲۸. پاکزاد، مهری (۱۳۹۱). «تطبیق مبانی فکری شعر دوره‌های خراسانی و عراقی با توجه به استفاده از خرجه و دستار»، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۶، صص ۷۵-۹۴.
۲۹. پیرمردیان، مصطفی (۱۳۹۴). «مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام»، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۱، صص ۵۵-۸۰.
۳۰. خدادادی سنگده، جواد (۱۳۹۴). «نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان»، فصلنامه زنان و خانواده، شماره ۳۳، صص ۸-۲۱.
۳۱. دانشور، سیمین (۱۳۵۷). «مصاحبه درباره حجاب»، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۵۷، ص ۶.
۳۲. زروندی، نفیسه (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی حجاب در اقوام و ادیان الهی»، فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده، شماره ۱۰، صص ۱۱۹-۱۴۱.
۳۳. عابدینی، احمد (۱۳۷۹). «سیری در آیات حجاب»، فصلنامه فقه، شماره ۲۳، صص ۴۹-۹۲.
۳۴. عبداللهی، مهناز (۱۳۸۹). «سالشمار دکتر سیمین دانشور»، مجله فرهنگی و هنری بخارا، شماره ۷۵، صص ۲۰۳-۲۰۶.
۳۵. ضرغامی، آناهیتا (۱۳۸۷). «حجاب زن ایرانی در بسترتاریخ»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۵، صص ۱۱۵-۱۳۶.
۳۶. طالقانی، سید محمود (۱۳۵۷). «مصاحبه در مورد حجاب»، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۵۸، ص ۳.
۳۷. فروزنده دهکردی، لطف‌الله (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۷، صص ۱۹-۴۲.
۳۸. فعال عراقی نژاد، حسین (۱۳۷۹). «نگاهی دوباره به آیت الله سید محمود طالقانی»، مجله گلستان قرآن، شماره ۴۷، صص ۳۵-۳۷.
۳۹. کرامتی، مهری (۱۳۸۲). «حجاب از دیدگاه شهروندان تهرانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ش ۱، صص ۱۴۸-۱۳۵.
۴۰. ناطق، هما (۱۳۵۷). «مصاحبه در مورد حجاب»، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۵۹، ص ۴.
۴۱. واتسون، هلن (۱۳۸۲). «زنان و حجاب»، ترجمه مرتضی بحرانی، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، ش ۲، صص ۳۱۰-۳۲۷.
۴۲. محجوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶). «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۸، صص ۱۳۴-۸۸.

۴۳. ملا میرزایی، محمدحسین (۱۳۹۷). «تحلیل تفسیری سیر نزول آیات حجاب»، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۳۶، صص ۸۳-۱۰۲.
۴۴. ملک زاده، الهام (۱۳۹۶). «تاریخ حجاب و پوشش در ادیان الهی و تمدن‌های بزرگ»، مجموعه مقالات کنگره پیشگامان پیشرفت، صص ۳۹-۵۵.
۴۵. موزسی سرخه (۱۳۹۶). «لباس و هویت: ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی»، فصلنامه جلوه هنر، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۱۶.
۴۶. میرشاهی، مسعود (۱۳۹۴). «هما ناطق بانویی از دیار فرهیختگان»، مجله بخارا، شماره ۱۱۰، صص ۴۴۰-۴۴۳.

ب- انگلیسی

۴۷. Allen, Anita L., 2008, Undressing Difference: The Hijab in the West, Berkeley Journal of Gender, Law & Justice, Vol. 23, Pg. 208-224.